



همایش ملی اخلاق جنگ، اخلاق صلح، اخلاق علو و دوستی
دانشگاه شیراز، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵



ضرورت بازاندیشی و بازنویسی کتاب جهاد

دکتر رحیم نوبهار، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق - دانشگاه شهید بهشتی

اسلام‌هراسی که از پدیده‌های رایج زمان ماست عوامل و اسباب گوناگونی دارد. بی‌شک برخی از عوامل و اسباب این پدیده شوم ریشه در خارج از جهان اسلام و دشمنان آن دارد. اما بن‌مایه‌های درونی اسلام‌هراسی را نمی‌توان انکار کرد. برخی آموزه‌ها در منابع فقهی دستاویز مناسبی برای توسعه اسلام‌هراسی است. شمار قابل‌توجهی از فتاوی موجود در "کتاب‌الجهاد" بخشی از این دست‌مایه‌ها را تشکیل می‌دهد. برخی از احکام مذکور در "کتاب‌الجهاد" جدا از ارتباطشان با پدیده اسلام‌هراسی به خودی خود هم درست و قابل دفاع نیستند. آن‌ها با مبانی اسلامی ناسازوارند و بنابراین نیاز جدی به بازنگری و بازنویسی دارند.

تحلیل گفتمان حاکم بر کتاب‌الجهاد رایج، نشان می‌دهد که اصل اولی در رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان، جنگ است. صلح حالتی استثنایی است که از سر ضرورت یا مصلحت می‌توان به آن تن داد. این پیش‌فرض که منشأ احکام فراوانی هم شده، به خودی خود کافی است تا کتاب‌الجهاد را بازاندیشی و بازنویسی نیازمند نماید. بویژه این که شماری از آیات قرآنی و آموزه‌های موجود در سنت با عموم و اطلاق خود از صلح همچون اصل مرجع سخن می‌گویند.

مباحث جهاد با نفس که در میراث اسلامی برجسته است و به لحاظ عملی پیش‌شرط هر گونه جهاد موفقیت‌آمیزی است از کتاب‌الجهاد جدا شده است. این امر به نوبه خود سبب شده تا جهاد وجهی کاملاً برون‌گرایانه به خود بگیرد و به نوعی به فتح سرزمین و الزام دیگران به پذیرش اسلام فروکاسته شود. حال آن که نتایج و مقاصد مورد نظر در جهاد به معنای تلاش برای گسترش دین، جز با معنویت، اخلاق و درون‌گرایی که در مباحث جهاد با نفس بر آن تأکید شده به دست نمی‌آید.

برابر کتاب‌الجهاد کنونی شمشیر گذاشتن به گردن غیرمسلمان برای تحمیل اسلام به وی جایز است؛ امری که در جهان کنونی پذیرفتنی نیست. و با بسیاری دیگر از آموزه‌های اسلامی هم سازگار نمی‌آید.



همایش ملی اخلاق جنگ، اخلاق صلح، اخلاق عفو و دوستی
دانشگاه شیراز، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵



در کتاب الجهاد تأکید بر مرزهای جغرافیایی و حفظ آنهاست؛ اما مرزهای فرهنگی که در زمانه ما پاسداشت آنها ظرافت‌ها و اقتضائات ویژه دارد، و گونه‌ای دیگر از جهاد و تلاش و احیاناً تعامل را می‌طلبد، به کلی مغفول مانده است.

امروزه برده‌داری لغو شده و بنای عقلای جهان بر عدم‌شناسایی رابطه ملکیت میان انسان با انسان مبتنی است. خردمندان عالم سال‌هاست که بر برده‌داری مهر بطلان زده و آن را از مدار اعتبارات عقلایی خارج نموده‌اند. متون فقهی در باب جهاد اما به بردگی گرفتن سربازان دشمن و حتی زنان و فرزندان آنان را تجویز می‌کند.

در جهان امروز برابر اعتباری عقلایی که با حمایت قراردادهای دو یا چند جانبه استوارتر شده است، سرزمین هر کشور به مردمی که در آن زیست می‌کنند، تعلق دارد. اما در متون فقهی در کتاب الجهاد همچنان از امکان تصاحب سرزمین غیرمسلمانان سخن گفته می‌شود. امروزه در درگیری‌های مسلحانه خواه از نوع تهاجم باشد یا دفاع یا درگیری‌های داخلی، برابر قوانین و مقررات بین‌المللی که اتفاقاً مسلمانان جهان نیز از مذاهب اسلامی مختلف آن‌ها را به گرمی پذیرفته‌اند، انبوهی از مقررات انسانی و اخلاقی باید مراعات شود. با آن که آموزه‌های نبوی(ص) در بنیان‌گذاری این قواعد نقش داشته است اما این قواعد با گذر زمان تحول و تکامل یافته‌اند. این در حالی است که متون فقهی در حال و هوای همان اصلاحات نبوی(ص) باقی مانده و روزآمد نشده‌اند. بسیاری از این اقدامات بر فرض که در متون دینی تجویز شده باشد در زمان‌های پیشین بخشی از قواعد عرف مسلط زمانه بر جنگ و مسایل پیرامونی آن بوده است. آن عرف و رویه‌ها امروزه کاملاً دگرگون شده‌اند.

توجه به مشکلات پیش‌گفته از یک‌سو و ظرفیت عظیم مبانی فقهی-اسلامی از سوی دیگر خوانشی انسانی-اخلاقی از جهاد و مسایل آن را ضروری می‌سازد. باید این کاستی‌ها را واکاوی نمود و از ظرفیت مبانی اسلامی برای درانداختن طرحی نو برای بازنویسی کتاب الجهاد بهره برد. به‌ویژه این که مسلمانان در عمل، با آن که بر عهدنامه‌های حقوق بشری حق شرط‌هایی گذاشته‌اند مقررات و عهدنامه‌های مربوط به صلح و حقوق بشردوستانه را هرگز مغایر با مبانی اسلامی نیافته‌اند و به گرمی از آن‌ها استقبال کرده‌اند. این نشان می‌دهد که ظرفیت مبانی اسلامی برای مشارکت نظری و عملی در گفتمان صلح و صلح‌سازی بسی فراتر از آن چیزی است که در متون فقهی کهن آمده است.

کلیدواژه‌ها: جهاد، جنگ، اسلام، صلح، اسلام‌هراسی.